

حرفتان درست است ولی مطالعات علمی و دغدغه‌های رهبری در این زمینه شفاف است.

■ ■ ■ ساختارهای اداری و مقرراتی در شهرها بسیار پیچیده است، برای بسیاری از مدیران شهری ممکن است این سؤال پیش بیاید که اقتصاد مقاومتی را از کجا باید شروع کرد؟

از یک منظر باید از انسان و هر آنچه ساختارهای انسانی را مقاوم می‌کند، شروع کنند، با این استدلال فرهنگ‌سازی ممکن است جدی باشد یا باید به منابع انسانی و بازیگران انسانی شهر مثل کارآفرینان، ذی‌نفعان، نقش‌آفرینان توجه کرد.

از جهت دیگر هم این گونه می‌شود پاسخ داد که در یک سیستم ممکن است با اولین حرکت ۸۰ درصد هدف را تحقق ببخشیم ولی برای ۲۰ درصد دیگر باید چندین سال تلاش و صدها اقدام انجام بدهیم، پیدا کردن آن نقطه اهرمی که با یک حرکت بتوانیم درصد بالایی از مقاومت‌سازی را در شهر پیاده کنیم، سؤال اصلی است. به اعتقاد من بعد از عامل انسانی مهم‌ترین اهرم، چیزی است که ما در اقتصاد به آن «هزینه‌های مبادلاتی» می‌گوییم، می‌شود همه نابسامانی‌ها و عدم بهرهوری‌های سازمانی و... را در همین عنوان گنجانند، بنابراین هزینه مبادلاتی را بایستی در شهر کاهش بدهیم، یعنی هر جا که تعاملی قرار است انجام شود و اصطکاک وجود دارد، باید اصطکاک را کاهش بدهیم. خیلی از کارهای بدنه شهری ما با اصطکاک روبرو است، این از منظر من اقتصاددان است، برای اصطکاک زدایی هم گاهی لازم است، مقررات زدایی کرد، گاهی مقررات جدید گذاشت، گاهی وقت‌ها بایستی سیستم‌های حمایتی و مشاوره‌ای را تقویت یا گردش اطلاعات راه‌اندازی کرد. علاوه بر این از کجا باید

شروع کرد، گاهی در مورد کار کوتاه‌مدت و گاهی در مورد نقطه اهرمی است، موردی که گفتم نقطه اهرمی است که سایر موارد در آن ظرف ریخته می‌شود.

■ ■ ■ مصدق دقیق این نقطه اهرمی در مدیریت شهری چیست؟

به نظر من بافت فیزیکی است، علمای معماری نظری دارند که معماری و مبلمان شهری محل سکونت فرد، رفتارهای فرد را متأثر می‌کند، به نظر می‌رسد روی محیط فیزیکی و مشخصات معماری شهری بایستی تأکید جدی کرد، متأسفانه خیلی‌ها در ایران معماری را یک امر خنثی در نظر گرفته‌اند یعنی فرض کردند چه آپارتمانی، چه ویلا، همه‌اش یک شهر است و در مقاومتی کردن یک شهر تأثیری ندارد،

در حالی که این‌طور نیست، معماری در سبک زندگی، اعتقاد، حلال و حرام شدن روابط و آرامش و امنیت ما خیلی مهم است، معماری فقط دکوراسیون داخلی یک ساختمان نیست، چینی کوچک و مبلمان شهری هم است.

■ ■ ■ برخی از مدیران شهری تصور می‌کنند که اقتصاد مقاومتی مسئولیت جدید و اضافه بر وظایف سازمانی‌شان است یا همان کارهای قبلی است، برای این چه باید کرد؟

نه تنها مدیران شهری، سایر مدیران هم وقتی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را مرور می‌کنند، می‌گویند این‌ها کارهایی است که قبلاً هم بایستی انجام می‌دادند و چه چیز جدیدی اضافه شده که بایستی انجام بدهیم؟ جوابی که می‌دهم این است که اقتصاد مقاومتی آمده تا جلوی «پارادوکس سنگاپور» را بگیرد، این پارادوکس می‌گوید که امکان دارد اجزای توسعه درست باشند ولی ترکیبشان هدف مقاومت‌سازی را برقرار نکند. اقتصاد مقاومتی بسته سیاستی‌اش یکجا حکم یک سیستم‌عامل را در رایانه دارد، اگر سیستم شما DOS باشد، ورد ۹۸ را نمی‌تواند اجرا کند، گاهی می‌خواهیم از کامپیوترمان کار بیشتری بکشیم، مجبوریم سیستم‌عامل را هم تغییر بدهیم، حالا شاید تک‌تک قسمت‌های سیستم‌عامل مهم نباشد ولی سیستم‌عامل یکجا کار کرد خاصی دارد، اجازه می‌دهد شما از بستر کامپیوتر و داشته‌هایتان استفاده کنید، امکان دارد کامپیوتر شما پر از نرم‌افزار باشد اما اگر سیستم‌عامل بالانیا، کامپیوتر کار نمی‌کند، بسته اقتصاد مقاومتی را این‌گونه ببیند که یک سیستم‌عامل جدیدی برای مقاومت‌سازی اقتصاد است، اقتصاد ایران مقاوم بوده اما الآن می‌خواهیم با سیستم‌عامل جدیدی قوی‌ترش کنیم. برای همین توصیه می‌کنم ترکیب بسته سیاست‌های ابلاغی

را ببینند و سیستمی به آن فکر کنند ولی اگر تجزیه‌اش کنند، شاید موارد مشابه زیاد دیده باشند اما مهم مجموع این سیاست‌هاست، بنابراین اقتصاد مقاومتی برای کشور و شهر نقش یک سیستم‌عامل را دارد، تفاوت شهر توکیو و نیویورک در تاب‌آوری در چه چیزهایی است؟ هر دو بیمارستان، آتش‌نشانی و پارک به تعداد مساوی دارند اما یک شهر تاب‌آوری و یک شهر کمتر است که به سیستم‌عامل شهری‌شان برمی‌گردد.

■ ■ ■ شما در صحبت‌هایتان به موضع نقش اساسی انسان در شهرها پرداختید، اما اگر نگاه سیستمی به موضوع اقتصاد مقاومتی داشته باشیم، برای تحقق هر برنامه‌ای، نیاز به یک اپراتور است، به نظر شما شهرداری‌ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی، از لحاظ نیروی انسانی سازمانی چه شکنجگی دارند؟

هویت و ماهیت شهرداری‌ها نباید با سازمان‌های اداری و بوروکراتیک اشتباه گرفته شود، اساساً شهرداری برای شهر است، نیروی انسانی که در شهرداری قرار می‌گیرد باید بداند که نماینده مردم است؛ امروزه شوراهادر انتخاب مدیران شهری تأثیر دارند، این غیر از فرمانداری سیاسی است، اگر کسی که در شهرداری کار می‌کند، خودش را مثل حالتی فرض کند که در فرمانداری نشسته است و برای خودش سیستم بوروکراتیک قائل باشد، از شهرداری بودن می‌افتد. نیروی انسانی باید خودش را نشسته در یک سازمان غیرانتفاعی مردم ببیند، شهرداری یک نوع NGO است. کارمند بنیاد خیریه نمی‌تواند مثل کارمند بانک باشد، شکنجگی ما آنجایی است که ساختارهای بوروکراتیک را برای خودمان ایجاد کنیم.

■ ■ ■ به نظر شما برای تحقق اقتصاد مقاومتی چقدر به بازسازی ساختارها، اختیارات و قوانین مدیریت شهری نیاز است؟

شهرداری برای تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند اختیارات و قوانین هستند، یک سری از قوانین ملی، دست شهرداری‌ها را در کار بسته است، اگر اقتصاد ملی برای اقتصاد شهری هویت مستقلی قائل نشود، اقتصاد شهری جان نمی‌گیرد، درحالی‌که اقتصاد شهری باعث تقویت اقتصاد ملی می‌شود؛ نمونه‌اش لایحه مدیریت شهری که انتخاب شهردار را می‌خواهد با پیشنهاد دولت انجام بدهد، به نظر من این اشتباه محض و ضد هدف مقاومت‌سازی اقتصاد شهری است. هر جا حکومت مرکزی اقتصاد شهری را محدود کند، موجب شکنجگی شهری می‌شود، قانون تجمع عوارض را به عنوان مثال توضیح می‌دهم؛ یک تئوری علمی است که می‌گوید شما بابت خدماتی که ارائه می‌دهید و ارزش بازاری ندارد اما صرفه خارجی مثبت ایجاد کرده، باید مالیات بگیرید،